

نقدی بر کتاب «صادق قطب‌زاده؛ از وزارت تا اعدام»

مجتبی شهرآبادی^۱

چکیده:

صادق قطب‌زاده (۱۳۶۱-۱۳۱۴ ه.ش) از جمله شناخته شده‌ترین انقلابیون سال‌های مبارزه با رژیم پهلوی و پس از آن از مهم‌ترین شخصیت‌های سال‌های آغازین نظام نوپای جمهوری اسلامی بود. دولتمردی با زندگی بالنسبه کوتاه، اما پرتلاطم و سرانجامی تراژیک، که آن اندازه بختیار نبود که روزهای پس از فرونشستن التهاب و بحران را به بازگویی و بازنویسی خاطرات ایام گذشته‌اش بنشیند.

زندگی قطب‌زاده و جایگاه و نقش واقعی او در تاریخ معاصر ایران، علیرغم گذشت قریب به چهار دهه از مرگش، هنوز نیز پر از ابهام و سوال‌های بی‌پاسخ است. از این رو پژوهش درباره او و جمع‌آوری اسناد و روایات مرتبط با او، برای پاسخ به این ابهام‌ها و پرسش‌ها بی‌گمان از بایسته‌های پژوهش در تاریخ معاصر است.

کتاب «از وزارت تا اعدام صادق قطب‌زاده» از جدیدترین آثار منتشر شده درباره سیر زندگی قطب‌زاده است. کتابی که مجموعه‌ای است از روایات و تحلیل‌های افراد مختلف و برخی اسناد مربوط به زندگی او در دو مقطع پیش و پس از انقلاب اسلامی.

یادداشت حاضر، ضمن معرفی و شرح اجمالی این کتاب، کوشیده است بر مبنای اصول و شاخصه‌های اولیه علمی در یک اثر تاریخ‌نگارانه، آن را مورد نقد و ارزیابی قرار دهد. نتیجه این بررسی و ارزشیابی نشان می‌دهد که کتاب «از وزارت تا اعدام» از حداقل‌های لازم برای یک پژوهش تاریخی علمی، بی‌بهره بوده و بیشتر به یک «کشکول روایات» نامنسجم و آشفته شبیه است.

واژگان کلیدی: تاریخ‌نگاری، روایت‌نگاری، ایران معاصر، انقلاب اسلامی، صادق قطب‌زاده

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی؛ پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

مقدمه

کتاب «از وزارت تا اعدام صادق قطب‌زاده» اثر علی تیموری، مجموعه روایت‌هایی است مرتبط با زندگی پر نشیب و فراز صادق قطب‌زاده؛ نخستین سرپرست سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران پس از انقلاب اسلامی و وزیر خارجه دولت شورای انقلاب که زیست پر تلاطم و ناآرامش، به پایان تلخ اعدام، ختم شد. این کتاب، نخستین بار در پاییز ۱۳۹۹ در ۱۶۶ صفحه در قطع رقعی به همت انتشارات تمدن علمی، منتشر و در اختیار علاقه‌مندان تاریخ معاصر ایران قرار گرفت. کتاب در سال ۱۴۰۰ با شمارگان ۱۱۰۰ نسخه به چاپ دوم رسید که این موضوع، خود، موید استقبال خوب از آن در بازار کتاب ایران است. اگرچند عنوان کتاب، ظاهراً تنها به زندگی قطب‌زاده در سال‌های پس از انقلاب اسلامی (بهمن ۵۷ تا شهریور ۶۱) اشاره دارد؛ اما روایات کتاب، دوره نخست زندگی او یعنی سال‌های پیش از انقلاب (دهه ۲۰ تا بهمن ۵۷) را نیز در بر می‌گیرد. در واقع کتاب، به دو بخش اصلی تقسیم شده است. ۶۰ صفحه‌ی نخست کتاب به دوران پیش از انقلاب و ۹۰ صفحه‌ی دوم به دوران پس از انقلاب اختصاص یافته است. علی تیموری، گردآورنده این مجموعه، دانشجوی دوره دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه آزاد واحد یادگار امام شهر ری است و جز این مجموعه، کتاب‌های دیگری از وی، همچون «خطبه‌های نماز جمعه آیت‌الله طالقانی»، «نمایندگان مجلس شورای ملی از مشروطه تا انقلاب: نمایندگان شهریار و ساوجبلاغ و کردان و اشتهارد»، «آخرین بازیگران پهلوی از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷» نیز منتشر شده است. ایشان سابقه تدریس در برخی واحدهای دانشگاه آزاد همچون شهریار، شهر قدس و صبا شهر را نیز در کارنامه تخصصی خود دارد.

سازمان‌بندی و شرح اجمالی کتاب:

کتاب «از وزارت تا اعدام صادق قطب‌زاده» در یک مقدمه، پیشگفتار، دو بخش اصلی، منابع و نمایه، مجموعاً در ۱۶۶ صفحه سامان یافته است. در مقدمه (صص ۱۴-۱۳)، نویسنده به دو موضوع مهم ضرورت تالیف و هدف این کتاب پرداخته است. تیموری با اشاره به این نکته که برخی از انقلابیون تاثیرگذار در تحولات سال‌های بحرانی آغاز عصر جمهوری اسلامی، سرنوشت‌هایی همچون ترور، زندان یا اعدام یافتند و زمانه فرصتی برای نقل یا مکتوب کردن خاطرات‌شان، نداد؛ تاکید می‌کند که اگر نه در همان سال‌ها، که امروز و با گذشت بیش از چهار دهه از انقلاب، لزوم واکاوی در روایات مرتبط به این دسته از انقلابیون، بیش از همیشه احساس می‌شود تا نسل چهارم انقلاب، جایگاه شخصیت‌هایی که با رویدادهای سیاسی و اجتماعی ایران معاصر گره خورده‌اند را بهتر بشناسد (ص ۱۳).

نویسنده، بر مبنای چنین ضرورتی، هدف خود از نشر چنین مجموعه‌ای را حتی‌المقدور، بیرون کشیدن حقیقت از میان اخبار دروغ، تحلیل‌های مغرضانه و وارونه نشان دادن واقعیت‌ها توسط رسانه‌ها عنوان می‌کند (صص ۱۴-۱۳).

پیشگفتار کتاب (صص ۱۷-۱۵) به بیوگرافی بسیار اجمالی صادق قطب‌زاده از تولد تا اعدام او اختصاص یافته و در کمتر از سه صفحه، کلیتی از زندگی بالنسبه کوتاه اما پرحادثه‌ی قطب‌زاده را - از تولد در تهران؛ سال‌های مبارزه و خانه به دوشی در آمریکا، اروپا و خاورمیانه؛ تا بازگشت با پرواز انقلاب به تهران، دوران کوتاه اما پر از بحران مسئولیت و در نهایت پایان تراژیک زندگی او - به خواننده ارائه می‌کند.

بخش نخست کتاب (صص ۶۰-۱۹) مربوط به ارائه برخی اسناد موجود و غالباً روایت‌های افراد مختلف درباره قطب‌زاده در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی است. در این بخش، هم برخی اسناد ساواک، هم روایت‌های شفاهی مبارزین داخلی یا ناظرین خارجی، و هم تحلیل و تفسیرهایی از برخی نویسندگان پیرامون قطب‌زاده، فعالیت‌ها، و حتی شیوه زیست و اخلاق و منش او دیده می‌شود. این بخش که از عضویت قطب‌زاده در نهضت خدایپرستان سوسیالیست آغاز شده و با اجاره‌ی هواپیمای ایرفرانس و بازگشت به تهران در معیت آیت‌الله خمینی به پایان می‌رسد؛ مجموعاً ۴۲ صفحه از حجم کتاب را به خود اختصاص داده است.

بخش دوم کتاب (صص ۱۵۶-۶۱) روایت‌های گوناگونی است از شخصیت‌ها و افراد مختلف درباره وقایع پس از انقلاب اسلامی. وقایعی که قطب‌زاده نیز در هر کدام به فراخور جایگاهش نقشی تعیین‌کننده یا حداقل، ظاهراً مهم داشته است. این روایت‌ها محدوده تاریخی ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ تا ۲۴ شهریور ۱۳۶۱ (از پیروزی انقلاب تا اعدام صادق قطب‌زاده) را در بر می‌گیرد. روایات این بخش، دوران عضویت قطب‌زاده در شورای انقلاب؛ سرپرستی سازمان رادیو تلویزیون ملی و وزارت خارجه او، و در نهایت بازداشت، محاکمه و اعدام او را شامل می‌شود.

این بخش که بنا به عنوان کتاب، بخش اصلی آن نیز محسوب می‌شود، مجموعاً ۹۶ صفحه از حجم کتاب را در بر گرفته است.

کتاب با فهرست منابع (صص ۱۶۰-۱۵۷) و نمایه افراد (صص ۱۶۶-۱۶۱) به پایان می‌رسد.

نقد و نظر:

صادق قطب‌زاده، از جمله انقلابیونی است که قضاوت درباره‌اش حتی امروز و پس از گذشت چهل سال از مرگش، همچنان بسیار سخت و پیچیده در انواع ابهام‌ها و سوالات بی‌پاسخ است.

روایت‌های بسیار متناقض درباره او، زندگی ناآرام و پر نشیب و فراز، صراحت لهجه و شجاعتی که گاه سر به حماقت می‌زد، نزدیکی نامنتظر او به رهبری انقلاب و اعتماد ایشان به وی، محبوبیت عمومی، مسئولیت و مناصب کلیدی در روزهای نخستین پیروزی انقلاب، خانه‌نشینی ناگهانی و در نهایت بازداشت و محاکمه و اعدام پر ابهامش؛ همه و همه قطب‌زاده را برای علاقه‌مندان به تاریخ معاصر ایران،

به شخصیتی پر رمز و راز و موضوعی بسیار جذاب و در عین حال سرشار از سوالات و ناگفته‌ها بدل می‌کند.

بدیهی است که چنین کشش و جذابیتی در موضوع، کتابی با عنوان «قطب‌زاده؛ از وزارت تا اعدام» را برای اهالی تاریخ، به خودی خود، جذاب کند و در فهرست مطالعه قرار دهد. ضمن آنکه انتشار آن توسط نشری پرسابقه و خوشنام، طرح جلد و قیمت مناسب نیز بر دلایل تمایل و اقبال خواننده برای خرید و مطالعه کتاب می‌افزاید.

بر تمام این دلایل، نکته‌ی بسیار مهم دیگری را نیز باید افزود. در سال‌های اخیر و با رشد روزافزون عرضه کالا و خدمات مختلف بر بستر فضای اینترنت؛ خبررسانی و آشنایی با تازه‌های نشر و خرید کتاب‌ها نیز اغلب، بر همین بستر و از طریق فروشگاه‌های اینترنتی کتاب، صورت می‌گیرد. در نتیجه خواستار کتاب، نه با حضور در نمایشگاه یا کتابفروشی واقعی و با لمس و تورق و مطالعه‌ی لااقل یکی دو صفحه‌ای کتاب، که تنها با مشاهده‌ی عکسی از جلد، عنوان کتاب و احیاناً کوتاه نوشتی از سوی ناشر در تبلیغ آن کتاب، دست به خرید کتابی می‌زند. بنابراین در موارد بسیاری، محتوای کتابی که به دست خواننده می‌رسد، او را از خرید و صرف وقت در مطالعه آن، به شدت پشیمان و ناامید می‌کند. این موضوع به خصوص درباره کتاب‌های تازه نشر و آن‌ها که یادداشت‌هایی در رابطه با معرفی و نقد آن‌ها وجود ندارد، بیشتر نیز به چشم می‌خورد.

نگارنده، بنا به مواردی که در این یادداشت کوتاه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کند، کتاب «از وزارت تا اعدام» را از مصادیق بارز چنین کتاب‌هایی می‌داند. تا بدان جا که اساساً آن را نه یک کتاب، که از گونه‌ی «کتاب‌سازی با چسب و قیچی» آن هم از نمونه‌های بسیار نازل و دم دستی این گونه تلقی می‌نماید.

«از وزارت تا اعدام» همان‌گونه که در بخش معرفی نوشتار و نویسنده، بدان اشارت رفت، مجموعه‌ای است از اخبار مطبوعات، روایت‌هایی از افراد گوناگون و نیز تحلیل‌هایی از برخی نویسندگان و اهل سیاست درباره صادق قطب‌زاده، و البته چند نمونه انگشت‌شمار از اسناد، و یک دو مورد مصاحبه و سخنرانی‌های قطب‌زاده. - از دهه ۳۰ تا پایان زندگی کوتاهش -

جمع‌آوری روایت‌های مختلف درباره یک شخصیت یا یک واقعه در مطالعات تاریخی، گونه‌ای رایج و در جای خود، کاربردی و برای پژوهشگران تاریخ، بسیار راهگشاست. جمع‌آوری روایت‌های مختلف و متضاد درباره یک شخصیت یا یک واقعه، طبعاً فضای دید و تحلیل گسترده‌تری در اختیار یک پژوهشگر و محقق تاریخ می‌گذارد.

اما نکته مهم در آن است که صرف جمع‌آوری روایت‌ها در باب یک موضوع، که گونه‌ای از مطالعات تاریخی و برای گردآوری داده‌ها در مسیر تحلیل جامع یک رویداد است، طبیعتاً بر رعایت اصولی علمی مبتنی است. رعایت سیر تاریخی؛ امانت‌داری مطلق؛ دقت کامل در ارجاع به منابع روایات، توان نقد روایات و تشخیص صحیح از سقیم یا لااقل قوی از ضعیف؛ گردآوری روایاتی که واقعاً مربوط به

موضوعند و صرفاً برای افزودن بر حجم کار، ارائه نشده‌اند؛ تسلط گردآورنده بر زوایای مختلف موضوع برای فهم دقیق ظرائف تاریخی و مفاهیم به کار رفته در روایات و سپس استفاده از آن‌ها و... از جمله‌ی حداقل‌های این اصول به شمارند.

با قاطعیت می‌توان گفت که «از وزارت تا اعدام» فاقد تمامی این حداقل‌هاست. کار علی تیموری، نه چنان که خود مدعی است از نوع تحقیق و پژوهش تاریخی (مقدمه، ص ۱۳) که بیشتر از نوع انجام تکالیف کافی‌نتی یک دانش‌آموز یا دانشجو محسوب می‌شود!

در واقع، می‌توان مدعی شد که برای ساختن این کتاب، هیچ نیازی به یک دانشجوی دوره دکتری تاریخ نبوده است. این کتابسازی به سادگی توسط یک دانش‌آموز دبیرستانی نیز قابل انجام و لابد قابل ارائه و چاپ می‌بود. کتابسازی آقای تیموری صرفاً براساس جستجوی نام صادق قطب‌زاده، آن هم عموماً در اینترنت بوده است. تقریباً تمام متونی که ایشان از آن‌ها استفاده و به آن‌ها ارجاع داده است، متونی است که در بستر اینترنت به راحتی قابل بازیابی و دسترسی هستند.

نتیجه جستجوی ایشان از کلیدواژه‌ی صادق قطب‌زاده، مجموعه‌ای از روایات باریط و بی‌ربط است که ایشان، آن‌ها را رونوشت‌گیری^۱ و سپس در صفحه جدیدی، چسبانده^۲ و در مجموع در قامت کتاب تازه‌ای منتشر کرده است.

نگارنده در حد مقدمات یک یادداشت نقد کتاب و براساس شاخصه‌های گفته شده برای یک مجموعه روایات، سعی می‌کند مدعای خود در خصوص کتاب «از وزارت تا اعدام» را تبیین و اثبات نماید.

۱- ارتباط روایات به موضوع و هدف کتاب:

روایات متعددی در کتاب وجود دارد که اساساً هیچ ارتباط مستقیمی با سوژه - یعنی صادق قطب‌زاده - نداشته و صرفاً به این دلیل که در میان اسامی دیگر نام قطب‌زاده نیز در آن‌ها بوده، به متن کتاب راه یافته‌اند. بی‌آنکه هیچ کمکی به هدف کتاب در جهت شناخت قطب‌زاده یا گشودن گره‌ای از مشکلات پژوهشی درباره او کرده باشند.

فی‌المثل، روایتی از سیداحمد خمینی در صفحه ۸۷ کتاب که محور آن در خصوص اشغال سفارت آمریکا و استعفای دولت موقت و قبول استعفاء توسط امام خمینی است: «من در نخست‌وزیری در اتاق بازرگان و دکتر سحابی بودم که از قم تلفن کردند و مرا که تهران آمده بودم از آن طرف بی‌سیم خواستند. آقای صناعی^۳ گفت امام، استعفای بازرگان را پذیرفت. من به روی خودم نیاوردم، سحابی و بازرگان می‌گفتند معلوم است که امام استعفای ما را قبول نمی‌کنند! ولی ما باید برای پذیرش جدید

^۱ Copy

^۲ Paste

^۳ حجه‌الاسلام حسن صناعی از اعضای بیت امام خمینی

شرط و شروط بگذاریم که یکی از آنها آزادی آمریکاییهاست! من سکوت کرده بودم، فقط از اتاق آنها بیرون آمدم. شهید چمران را دیدم، با هم به یکی از اتاق‌های نخست‌وزیری رفتیم، تلفن قطب‌زاده را در رادیو گرفتیم و به او گفتم که قضیه چیست و گفتم پس از پخش قبول استعفای بازرگان از سوی امام، سرود خمینی ای امام را بگذارید تا مردم متوجه شوند یک خطر بزرگ از انقلاب رفع شده است و آن حاکمیت لیبرال‌ها بود.» (خمینی، ۵۳: ۱۳۷۰). نویسنده، این روایت را با تیتُر «سرود خمینی ای امام به دستور سیداحمد خمینی» در میان روایت‌های کتاب جای داده است.

معلوم نیست که این روایت، چه ارتباطی با موضوع کتاب دارد، جز اینکه در آن نام قطب‌زاده آمده است؟ از نویسنده محترم باید پرسید که گنجاندن این روایت در کتاب، چه کمکی به هدف کتاب که شناخت صادق قطب‌زاده و بیرون کشیدن حقیقت از دل اخبار رسانه‌ای و دروغ‌هاست، می‌کند؟ این روایت، کدام گره پژوهشی در باب زندگی سیاسی قطب‌زاده را می‌گشاید؟ آیا نویسنده محترم انتظار داشته خبر استعفای دولت را فی‌المثل به شهرداری اطلاع بدهند که اینک تماس گرفتن با سرپرست رادیو تلویزیون موجب شده که نویسنده، آن را به عنوان روایتی مهم در کتاب بگنجانند؟ یا اینکه این روایت به صرف افزودن بر حجم کتاب آورده شده است؟

از این نمونه روایت‌های کاملاً بی‌ربط به موضوع و هدف کتاب، در این مجموعه فراوان می‌توان یافت. از این گونه‌ست روایاتی در صفحات ۷۹، ۱۱۳، ۱۲۰ و... از این روست که نگارنده معتقد است که این کتاب، نه با دیدی پژوهشی و تاریخی که صرفاً از طریق جستجوی کلیدواژه‌ی قطب‌زاده، عمدتاً در صفحات اینترنتی و بدون بررسی محتوا و مشخص کردن میزان ارتباط آن‌ها به موضوع و هدف کتاب، گردآوری شده است.

۲- رعایت سیر تاریخی:

رعایت سیر تاریخی و ترتیب وقوع حوادث و وقایع نیز اصول اساسی و بنیادی در یک پژوهش تاریخی است. واضح است که عدم رعایت این سیر و ترتیب و پیش کردن حوادث، پژوهشگر را در فهم حوادث و تحلیل آن‌ها دچار اشتباه و کژراهه خواهد کرد.

نویسنده نیز لابد با درک این اصل بدیهی، در مقدمه یادآور شده که بررسی «سیر زندگی قطب‌زاده... می‌تواند پاسخگوی برخی سوالات علاقه‌مندان به تاریخ معاصر ایران باشد» (مقدمه، ص ۱۳). علیرغم چنین اشاره‌ای، عدم رعایت این اصل توسط نویسنده، یعنی سیر تاریخی و ترتیب کروئولوژیک روایات، از جمله ضعف‌های اساسی این کتاب است که می‌توان بر آن انگشت نهاد.

در مواضع متعددی از کتاب، چنین درهم ریختگی زمانی‌ای دیده می‌شود. به عنوان مثال اولین روایت کتاب در صفحه ۱۹ مربوط به آغاز فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی قطب‌زاده و پیوستن او به نهضت خدایپرستان سوسیالیست در اوایل دهه ۳۰ خورشیدی است. و یک صفحه بعد، دومین روایت کتاب، به

سندی از ساواک مربوط به سال ۱۳۵۶ خورشیدی اختصاص یافته است. یعنی از روایت اول به روایت دوم، با یک پرش بیست و چند ساله مواجهیم.

همچنین است روایت سی و هشتم که به مصاحبه آیت‌الله خمینی با روزنامه لوموند در نجف اختصاص دارد (صص ۵۲-۵۱). این مصاحبه مربوط به اواخر دوران اقامت آیت‌الله خمینی در نجف بوده و در اردیبهشت ۱۳۵۷ خورشیدی انجام شده است (خمینی، ۳: ۳۶۶، ۱۳۸۹). این روایت در حالی در این صفحات قرار گرفته که تقریباً از بیست صفحه قبل از آن، روایات مربوط به ترک نجف و اقامت آیت‌الله خمینی در فرانسه، آورده شده است.

از همه جالب‌تر آخرین صفحه کتاب است. در حالی که بخش دوم کتاب به سال‌های پس از انقلاب اختصاص دارد و به محاکمه و دفاعیات و در نهایت اعدام قطب‌زاده ختم می‌شود (شهریور ۱۳۶۱ خورشیدی)، ناگهان و پس از این همه، کتاب با سندی از ساواک درباره قطب‌زاده مربوط به سال ۱۳۵۰ خورشیدی به پایان رسیده است!!

از این دست در هم ریختگی‌ها و عدم رعایت سیر تاریخی را علاوه بر موارد گفته شده در صفحات متعددی از کتاب همچون صفحات ۲۸، ۳۵، ۳۶، ۴۳، ۴۹ و... نیز می‌توان یافت.

این در هم ریختگی و پرش‌های زمانی، نه تنها سیر تاریخی کتاب را به هم می‌ریزد که سبب سر در گمی و به اشتباه افتادن خواننده در تشخیص زمان وقوع حوادث و در نتیجه در تحلیل کلی روایات می‌شود.

۳- امانت‌داری مطلق:

امانت‌داری در نقل روایات نیز از اصول بدیهی مطالعات تاریخی است که مسلم بودنش، آن را بی‌نیاز از تشریح می‌کند. مورخ، موظف است که در نقل مطلبی از راوی یا منبعی، نهایت امانت‌داری را به کار گیرد. البته نگارنده بر این موضوع واقف است که گاه در نقل یک روایت، مورخ مجبور به خلاصه کردن یک روایت است، هم برای نیفزودن بلا موضوع به حجم کار، و هم برای نقل قسمت‌هایی از روایت که مستقیماً به موضوع کار پژوهش مربوط است. اما حتی در تلخیص، نقل به مضمون یا حذف برخی حواشی و زواید روایت نیز، همچنان اصل بر رعایت امانت‌داری مطلق است.

متأسفانه در این مبحث نیز به کتاب «از وزارت تا اعدام» نمره قبول، نمی‌توان داد. نویسنده در تلخیص یا حذف بخش‌هایی از بعضی روایات، سختگیرانه، عدم امانت‌داری؛ و سهل‌گیرانه، نهایت کج سلیقه‌ی را به کار گرفته است.

نویسنده در نقل برخی روایات، بخش‌هایی از آن‌ها را حذف کرده است. نکته قابل تامل و قابل تأسف در این حذفیات، آن است که برخی از این حذفیات، بسیار مهم و مستقیماً مربوط به موضوع و هدف کتاب

بوده است! چنان که این گونه به ذهن متبادر می شود که نویسنده، از روی غرض ورزی دست به چنین عدم امانت داری و حذفی زده است.

به این نمونه توجه کنید:

در صفحه ۵۶ کتاب، روایتی از کتاب «آمریکا در بند» نوشته پیر سالیانجر آورده شده است. این روایت با عنوان «یک هفته پیش از کنفرانس گوادلوپ» در کتاب آمده است. سالیانجر می نویسد که وزارت خارجه فرانسه با صادق قطب زاده تماس گرفت تا بداند که اگر آیت الله خمینی به حکومت رسید چه سیاست‌هایی را دنبال خواهد کرد. در پی این تماس، قطب زاده به وزارت خارجه فرانسه می رود و با توضیح سیاست‌های حکومت آینده، آن‌ها را نسبت به حکومت آتی ایران توجیه کرده، متقاعدشان می کند که از حمایت رژیم پهلوی دست بردارند (صص ۵۷-۵۶).

مقایسه این روایت با متن کتاب سالیانجر نشان می دهد که تیموری دو بخش مهم از روایت سالیانجر را که مستقیماً مربوط به صادق قطب زاده می شده را حذف کرده است. این دو بخش حذف شده را مرور کنیم:

الف) «فرانسوی‌ها می خواستند با قطب زاده صحبت کنند، زیرا او به آیت الله خمینی بسیار نزدیک بود. آن قدر نزدیک که او را "داماد پیامبر" می نامیدند.» (سالیانجر، ۵۹: ۱۳۶۲)

ب) مدت کوتاهی پس از عزیمت رئیس جمهور فرانسه به گوادلوپ، آیت الله [خمینی]، قطب زاده را احضار کرد تا بداند آیا رئیس جمهور فرانسه، قصد دارد موضوع ایران را در کنفرانس، مطرح کند و آیا یادداشت‌های ملاقات قطب زاده با وزارت خارجه را دیده است یا خیر؟ ظرف یک ساعت، قطب زاده توانست به طور غیر مستقیم از خبررسان‌های خیابان ارسی پاسخ خود را دریافت نماید. بله، رئیس جمهور می خواست موضوع ایران را مطرح کند. و بله، رئیس جمهور یادداشت‌های ملاقات قطب زاده با وزارت خارجه را دیده بود. خبررسان همچنین گفته بود گفتار قطب زاده، اثری روی رئیس جمهور گذاشته که او به کارتر توصیه می کند امکان ارتباط با دولت احتمالی ایران که رهبری مذهبی اش را آیت الله خمینی عهده دار می شد از نظر دور ندارد» (همان جا).

در کتابی که نویسنده اش، برای افزودن بر حجم کار، تعداد زیادی روایات بی اهمیت و عملاً بی ربط به موضوع و هدف کتاب را گنجانده است، چگونه می توان پذیرفت، در چنین روایت مهم و مرتبطی، دو بخش اساسی روایت را که مستقیماً بر سوژه کتاب متمرکز است و نقش مهمی در شناخت جایگاه و نقش قطب زاده دارد را حذف کرده باشد؟! خواننده با مطالعه اصل روایت سالیانجر، بیش از همه به جایگاه بسیار مهم قطب زاده نزد امام خمینی و نیز اهمیت بی بدیل او در نظر دولت‌های اروپایی و تاثیرگذاری

غیر قابل انکار او در روند پیروزی انقلاب پی می‌برد. پرسش مهم آن است که چگونه می‌توان حذف این بخش‌ها را در کتابی که مدعی "تاریخ‌نگاری قطب‌زاده"!! است را توجیه کرد؟

متأسفانه از این دست حذفیات و دست بردن در روایات که جملگی نیز بخش‌هایی مهم، مرتبط و تاثیرگذار برخی از روایات‌ها هستند در مواضع متعددی از کتاب مشاهده می‌شود. از این گونه‌اند نمونه‌هایی دیگر در صفحات ۳۱، ۵۴، ۹۱ و...

به این ترتیب در این شاخصه نیز، کتاب «از وزارت تا اعدام»، بسیار ضعیف و فاقد حداقل‌های علمی و پژوهشی است.

۴- دقت در ارجاع صحیح به منابع:

ارجاع یک روایت به منبع واقعی و صحیح آن نیز، از جمله‌ی اصول بسیار ابتدایی در یک پژوهش تاریخی است. نگارنده، حقیقتاً بسیار متأسف است که در این یادداشت، حتی مجبور است به چنین اصل بسیار ابتدایی و اولیه‌ای نیز در نقد این کتاب انگشت بگذارد.

متأسفانه، در مواضع متعددی از کتاب، این اصل نیز به درستی رعایت نشده و ارجاع یک روایت به منبعی است که اصلاً مطلب مورد ارجاع در آن مورد اشاره قرار نگرفته است!

به عنوان نمونه، در صفحه ۲۲ کتاب، روایتی به نقل از مجید مهران- دیپلمات سابق وزارت خارجه ایران- آورده شده که به درگیری صادق قطب‌زاده با اردشیر زاهدی در جشن نوروزی سفارت ایران در واشنگتن (فروردین ۱۳۴۰ خورشیدی) اشاره و سیلی زدن قطب‌زاده به اردشیر زاهدی را روایت کرده است. حال آنکه در اصل منبع، مجید مهران، اصلاً به موضوع سیلی زدن اشاره‌ای نکرده و تنها نقل کرده است که «قطب‌زاده، لیوان آبی را به سوی زاهدی پرتاب کرد» (مهران، ۳۳۳:۱۳۷۸).

روایت جشن نوروزی ۱۳۴۰ سفارت ایران در واشنگتن و درگیری صادق قطب‌زاده با اردشیر زاهدی در چند منبع با اختلافاتی نقل شده است. در روایت مجید مهران که به آن اشاره شد، قطب‌زاده، لیوان آبی را به سوی زاهدی پرتاب کرده؛ در روایت سالیانجر، قطب‌زاده به زاهدی دشنام داده (سالیانجر، ۱۰۲:۱۳۶۲) و در روایت دکتر صادق طباطبایی است که قطب‌زاده به روی سن پریده و به صورت اردشیر زاهدی سیلی زده است (طباطبایی، ۱۷۳:۱۳۹۲).

در واقع نیز روایت چاپ شده در کتاب «از وزارت تا اعدام»، همین روایت صادق طباطبایی است که به اشتباه به مجید مهران، ارجاع داده شده است.

^۱ ادعای نویسنده در مصاحبه با خبرگزاری آنا ۲۵ آبان ۱۳۹۹. قابل مطالعه در آدرس:

اگر ارجاع دهی غلط به همین یک مورد خلاصه می‌شد، نگارنده آن را به حساب یک اشتباه ناخواسته و صرفاً ضعف ویراستاری می‌گذاشت، اما متأسفانه در این زمینه هم، چنین اشتباهی به کرات در کتاب دیده می‌شود. از این‌گونه است صفحات ۴۱،۵۹ و...

۵- تسلط بر کلیات تاریخی دوره موردنظر و فهم درست معانی متون و روایات:

بدیهی است پژوهشگری که در باب موضوعی در دوره‌ای از تاریخ، به تحقیق و پژوهش دست می‌زند، می‌بایست بر کلیات تاریخی آن دوره و منابع تحقیق آن دوره، تسلطی نسبی داشته باشد. به عنوان مثال کسی که حتی از روخوانی تاریخ بیهقی نیز عاجز است- تا به فهم معانی عبارات و روایات چه رسد-، چگونه می‌تواند عنوان پژوهشگر عصر غزنوی را بر خود بگذارد و داعیه تاریخ‌نگاری آن را داشته باشد؟ مواجه شدن با چنین عدم تسلط و عدم فهمی در کتاب «از وزارت تا اعدام»، آن هم از سوی یک دانشجوی دوره دکتری تاریخ، به راستی دردناک است.

به این نمونه توجه فرمایید: نویسنده در صفحه ۲۰ کتاب متن سندی از ساواک را آورده که در ارتباط با امام موسی صدر و دکتر مصطفی چمران و فعالیت‌های آنان در لبنان است و البته چون نام قطب‌زاده هم در آن آمده، در کتاب، چاپ شده است.

تاریخ سند ۳۶/۲/۱۷ درج شده است. نویسنده نیز براساس تاریخی که روی متن سند دیده، آن را به عنوان روایتی مربوط به دهه ۳۰ خورشیدی در صفحات نخستین کتاب خود جای داده است!

اشتباهی مضحک و عدم فهمی عجیب در همین جانمایی سند به چشم می‌خورد. روشن است که اگر نویسنده، در مورد موضوع کتابش و کلیات تاریخی آن دوره، اندکی تسلط داشت، لاقلاً از خود می‌پرسید که سید موسی صدر در سال ۱۳۳۶ خورشیدی هنوز اصلاً به لبنان مهاجرت نکرده بود که بخواهد مدرسه و مجلس تاسیس کرده باشد و چمران را مامور تشکیل و آموزش نیروهای چریکی کند!!!

اگر همین اندک تسلط وجود داشت، نویسنده متوجه می‌شد که سند، قطعاً مربوط به دهه ۵۰ خورشیدی است که کسانی همچون چمران و قطب‌زاده و... در لبنان با صدر همکاری می‌کردند. آن‌گاه بعید می‌دانم که جناب نویسنده، هیچ واحد درسی از تاریخ معاصر نگذرانده باشد تا بداند که در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا شهریور ۱۳۵۷ خورشیدی، گاهشماری رسمی و اداری ایران، نه هجری که گاهشماری شاهنشاهی بود(موسیوند و زیدی ۱۳۸۸:۴۷۲).

بنابراین سندی که ایشان، آن را ۱۳۳۶ خورشیدی قرائت کرده و آن را در میان روایات دهه ۳۰ جای داده است، با قرائت صحیح، ۲۵۳۶ شاهنشاهی خواهد بود که معادل ۱۳۵۶ خورشیدی است!

^۱ سید موسی صدر در سال ۱۳۳۸ خورشیدی، به وصیت سیدعبدالحسین شرفالدین و به عنوان جانشین ایشان به لبنان مهاجرت کرد(فراستی و طاهری، ۲۲۳:۱۳۸۷)

همین که در چاپ دوم کتاب هم، نویسنده این مورد را اصلاح نکرده، خود نشان آن است که این موضوع، نه خطایی سهوی در جانمایی و چاپ، که قطعاً حاصل عدم تسلط نویسنده بر کلیات تاریخی دوره مورد مطالعه و عدم درک صحیح اسناد آن عصر است. بر این سیاهه، البته می‌توان موارد دیگری همچون انبوه غلط‌های املائی، انشای نامتجانس و ضعیف نویسنده که در همان سه چهار صفحه‌ای که به قلم خود اوست (مقدمه و پیشگفتار) نمایان است^۱ و... را نیز اضافه کرد. سیاهه‌ای که در مجموع، خواننده را از خرید و مطالعه چنین کتابی، سخت پشیمان می‌کند.

نتیجه:

کتاب «از وزارت تا اعدام صادق قطب‌زاده» براساس آنچه در این یادداشت بدان‌ها اشارت رفت از دید نگارنده نه پژوهشی علمی، که بیشتر یک «کشکول روایات» است، آمیخته‌ای از روایات مربوط و نامربوط که به شدت از عدم انسجام و پیوند منطقی رنج می‌برد. کتابی که نه چیزی بر آگاهی‌های خواننده‌اش می‌تواند افزود، نه بر کارنامه کهن‌سالِ ناشرش. - تا به نویسنده‌اش چه رسد! -
کمترین امید و آرزوی راقم این سطور، آن است که لاقل ناشری پرسابقه و خوشنام که آثار برخی از نامداران تاریخ‌نگاری معاصر ایران را به چاپ رسانده، در قبول آثار جدید و چاپ آن‌ها، تامل و بررسی بیشتری به کار گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ متأسفانه، حتی در پیشگفتار سه صفحه‌ای کتاب نیز در، همچنان بر همان پاشنه‌ی می‌چرخد. چنان‌که بخش‌هایی از پیشگفتار نیز رونویسی از کتاب‌های دیگر و البته بدون ارجاع به آنهاست!

منابع:

- ۱- تیموری، علی (۱۴۰۰). از وزارت تا اعدام صادق قطب‌زاده. چ ۲. تهران: انتشارات تمدن علمی
- ۲- خمینی، سید روح‌الله [امام] (۱۳۸۸). صحیفه امام. جلد ۳. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- ۳- خمینی، سید احمد (۱۳۷۰). "سیزدهم آبان تجلی خشم مردم علیه آمریکا (مصاحبه با حجه الاسلام و المسلمین سید احمد خمینی)". فصلنامه حضور. سال ۱. شماره ۲. پاییز ۱۳۷۰. صص ۴۵-۵۸
- ۴- سالیانجر، پیر (۱۳۶۲). آمریکا در بند. تهران: کتاب‌سرا
- ۵- طباطبایی، صادق (۱۳۹۲). خاطرات سیاسی - اجتماعی دکتر صادق طباطبایی. جلد ۱. چ ۳. تهران: چاپ و نشر عروج
- ۶- فراتی، عبدالوهاب و سید مهدی طاهری (۱۳۸۷). "نقش امام موسی صدر در ارتقای جایگاه شیعیان لبنان". فصلنامه شیعه‌شناسی. سال ۶. شماره ۲۴. صص ۲۳۸-۲۱۳
- ۷- موسیوند، زهرا و سمیه زیدی (۱۳۸۸). "تغییر تقویم هجری به شاهنشاهی به روایت اسناد مجلس سنا". فصلنامه پیام بهارستان. سال ۲. شماره ۶. زمستان ۱۳۸۸. صص ۴۹۶-۴۷۱
- ۸- مهران، مجید (۱۳۷۸). "نقدی بر سازمان دیپلماسی ایران عصر پهلوی؛ گفتگوی مرتضی رسولی پور با مجید مهران - دیپلمات سابق وزارت خارجه". فصلنامه تاریخ معاصر. شماره ۹. بهار ۱۳۷۸. صص ۳۳۸-۲۴۷